

بررسی تطبیقی آموزه‌های تعلیمی در اشعار ابراهیم ابوطالب و ناصر کشاورز

چکیده

پژوهش حاضر با ماهیتی تطبیقی و میان رشته‌ای در باره آموزه‌های تعلیمی در آثار «ابراهیم ابوطالب» شاعر برجسته کودک از یمن و «ناصر کشاورز»، شاعر نامور معاصر ایران در زمینه کودک است. هدف این پژوهش شناخت و بررسی اشعاری است که به آموزش یک موضوع خاص علمی و کاربردی پرداخته اند. در این جستار با روش توصیفی-تحلیلی و براساس مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی به مواردی چون مفاهیم و آموزه‌های دینی، احترام به پدر و مادر، اخلاق نیکو و رعایت ادب و آموزش نکات بهداشتی در اشعار هر دو شاعر پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، «ابوطالب» و «کشاورز» کودکان را سازنده فردای جامعه می‌دانند که باید برای آموزش آن‌ها سرمایه گذاری شود. و با این دیدگاه مفاهیم تربیتی و اخلاقی را با زبان شیوای کودکان و به گونه‌ای غیرمستقیم در اشعار خود به کار برده‌اند. در زمینه زبان هر کدام سبک ویژه خود را دارا هستند. زبان شعری «کشاورز» نسبت به «ابوطالب» از سادگی و روانی بیشتری برخوردار است. و هر دو از دریچه چشم کودکان به مسایل نگرینسته‌اند.

کلمات کلیدی: ادبیات تطبیقی، ادبیات کودک، آموزه‌های تعلیمی، ابراهیم ابوطالب، ناصر کشاورز

مقدمه

یکی از گسترده‌ترین و دامنه‌دارترین اقسام شعر در ادبیات فارسی و عربی، شعر تعلیمی است. این شعر به خصوص برای کودکان و نوجوانان مورد تاکید است. و از این رهگذر، از دیرباز برای آموزش علوم رایج زمان به کودکان و نوجوانان منظومه‌های بسیاری شکل گرفته است به عنوان نمونه از منظومه مناظره‌ای «درخت آسوریک»، کهن‌ترین منظومه کودکان در دوره پیش از اسلام و «نصاب الصبیان» ابونصر فراهی در قرن هفتم ه.ق در علم لغت، می‌توان نام برد. «ضرورت حضور شعر در زندگی کودک، بر هیچ کس پوشیده نیست. از زمانی که کودک با آواز گوش‌نواز

لالایی‌های مادر به خواب و آرامش می‌رسد، تا زمانی که در بازی‌های کودکانه‌اش، از اصوات و آواهای گوناگون بهره می‌گیرد و آن‌گاه که قدم به مهدکودک و مدرسه می‌گذارد و مفاهیم، شکل‌ها و رنگ‌ها و اعداد و بسیاری پیگر از دانستنی‌ها را از طریق شعر می‌آموزد و به حافظه می‌سپارد، شعر در زندگی او حضوری همیشگی و پررنگ دارد.» (موسویان ۱۳۹۰: ۶۷) «طفل باید با تمام وجودش و با قلبش، نیکی و انسانیت و وارستگی را درک کند و فضیلت آن را بر خودخواهی و خشونت و نژادپرستی بازشناسد. شعر نه فقط باید شادی کودکانه را منعکس سازد بلکه رنگ اجتماعی داشته باشد و احساس و وظیفه شهروندی طفل را تقویت کند.» (علی‌پور ۱۳۸۵: ۲۷)

دنیای کودکان، براساس ملموسات شکل گرفته است. پس آن‌چه که کودک درک می‌کند، می‌تواند موضوع شعر کودک قرار گیرد. شعر کودک، ماهیتی آموزشی دارد و هدف سراینده آن تعلیم و آموزش است. «مضامین آموزشی را با درس منظوم اشتباه نمی‌کنیم و آن را مخصوص کودکان پیش از مدرسه می‌دانیم. کودکان سه، چهار تا شش ساله، که هنوز خواندن و نوشتن نمی‌دانند، نیاز به اشعاری دارند که آن‌ها را از راه گوش به خاطر بسپارند و بخوانند تا وسیله‌ای برای بازی موزیکی و آوازی داشته باشند و ناگزیر نشوند که آگهی‌های منظوم بازرگانی را حفظ کنند و بخوانند.» (کیانوش ۱۷۹: ۱۱۴)

با توجه به نوین بودن ادبیات کودک در ادبیات معاصر، تعاریف بسیاری از آن ارائه شده است. احمد زلط در تعریف ادبیات کودک می‌گوید: «ادبیات کودکان، گونه جدید ادبی در ادبیات هر زبان است. شامل شعر، نثر و به شکل شفاهی و نوشتاری است. این ادبیات، زبان، خیالات، شناخت‌ها و آمیختن و خوی گرفتن کودکان با زندگی را با هدف پیوستن به ادبیات و فنونش برای تحقق وظایف تربیتی، اخلاقی، هنری و زیبایی شناختی، ارتقاء می‌بخشد.» (حوامده ۲۰۱۴: ۲۱)

با پیشرفت امکانات و تکنولوژی، رشد هیجانی و شناختی زودرس کودکان امروز، یکی از رویکردهای ادبیات تعلیمی که در قالب و ساختاری کاملاً نوین در حال پیشرفت است ادبیات تعلیمی کودک است. «ادبیات کودک و نوجوان که بخشی از ادبیات تعلیمی است، مخاطب خود را در شناخت جهان اطراف یاری می‌رساند و سعی می‌کند مخاطب کم‌تجربه خود را نسبت به زندگی آگاه کند، از این رو جنبه تعلیمی دارد.» (حکیمی ۱۳۸۳: ۳۴)

در هر اثر ادبی نویسنده سعی در انتقال مفهومی به خواننده خود دارد اما بخشی از ادبیات به طور خاص هدف خود را آموزش دسته‌ای از مفاهیم قرار داده است. ادبیات کودکان با گرایش تعلیمی و آموزشی به عنوان ابزاری کارآمد در جهت رشد فکری، اخلاقی و فرهنگی کودکان به شمار می‌رود و موجبات شناخت آن‌ها را از جامعه

و محیط اطراف خود فراهم می آورد. علی رغم رشد دستگاه های سمعی و بصری و ساختن برنامه های تلویزیونی مختص کودکان و نوجوانان که بسیار هم جذابیت دارند، ادبیات کودکان هم چنان نقش و جایگاه خود را حفظ کرده است. ادبیات کودک از جهت ساخت شخصیت و آماده سازی کودک برای آینده اهمیت بسیاری در رشد او دارد زیرا انسان در مراحل نخستین عمرش نیاز به شیوه مشخصی در آموزش و پرورش دارد که با تمام مراحل رشدش هماهنگ باشد و تکوین روحی، روانی و عقلی او را سبب شود. پژوهشگر ادبیات کودک پیدایش این نوع ادبی را می تواند در داستان هایی که مادران و مادر بزرگ ها برای کودکان تعریف می کردند بیابد زیرا «نخستین جرقه های این ادبیات را در تاریخ بشر می توان در داستان ماجراجویی انسان و سختی هایی او در مواجهه با موانع طبیعت مانند سرما، گرما، عبور از کوه ها و جنگل ها و... دانست.» (حدیدی، ۱۹۸۲: ۵۶)

در ادبیات عرب، اولین آثار ادبی که در دوره معاصر در زمینه ادبیات کودک نوشته شد با نهضت ترجمه رفاعه طهطاوی در مصر دوران حکومت محمد علی پاشا شروع شد و صرفاً در حد یک تأثیر پذیری از آنچه روشن فکران عربی در کشورهای اروپایی به ویژ فرانسه دیده بودند، بود «زیرا اولین ظهور و بروز این نوع ادبی در قرن هفده میلادی در فرانسه بوده است.» (شرایحه ۱۹۸۳: ۲۰) علاوه بر این، اولین برخورد مصر با غرب نیز بعد از حمله ناپلئون به کشور فرانسه بوده است. «بعد از رفاعه نیز چشم گیرترین آثار ادبیات کودک را احمد شوقی به عنوان امیر الشعرا به زبان عربی تألیف کرد که به شکل داستان هایی از زبان پرندگان و حیوانات بود.» (نمر موسی، الفیصل ۲۰۰۰: ۲۴) اما در چند دهه اخیر و به طور تقریبی می توان گفت «از سال ۱۹۶۷ آثار ادبی برای کودکان عرب، با اهتمام نویسندگان و شاعران بزرگ عرب به آن، مانند زکریا تامر، عبد التواب یوسف، سلیمان العیسی و... رو به ترقی و پیشرفت نهاد.» (حاجی زاده و دیگران ۹۴: ۵)

در ادبیات فارسی، پس از امضای فرمان مشروطیت در سال ۱۳۲۴ ه. ق تحولاتی در عرصه ادبیات شکل گرفت و در کنار توجه به مسایل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن زمان، ادبیات کودکان نیز با اقبال شاعران مواجه شد. نخستین شاعران، شاعر کودک نبودند بلکه از سر ضرورت و احساس مسئولیت مبادرت به سرودن شعر کودک نمودند «بسیاری از شاعران معروف دوره مشروطه و بعد از آن از جمله بهار، ایرج میرزا، میرزاده عشقی، نسیم شمال کودکان را نیز فراموش نکردند. البته از نظر مفهوم فنی کلمه، این شعرها را تا آن جا می توان شعر کودک نامید که مخاطب آن ها کودکان هستند. اما از یک جهت مهم هنوز با شعر کودک به مفهوم امروز کلمه فاصله دارند. این اشعار هنوز به اندازه کافی به عالم کودکی و توجه داشتن به خصیصه های ادراکی و عاطفی ذهن کودک نزدیک نشده اند.» (پولادی ۱۳۸۴: ۹۹) اما شعر کودک در دوره معاصر ادبیات فارسی در مفهوم واقعی آن «یعنی؛

شعری که به عالم خاص کودکی نیز توجه دارد و به خصوصیات ویژه ذهن کودک نظری دارد با کارهای جبار باغچه‌بان و عباس یمینی شریف شروع شد.» (پولادی ۱۳۸۴: ۲۹۱) در این جستار به جنبه‌های مختلف آموزه‌های تعلیمی در آثار هر دو شاعر، ابراهیم ابوطالب از یمن و ناصر کشاورز از ایران پرداخته می‌شود.

پیشینه

تاکنون در زمینه ادبیات کودک در زبان عربی پژوهش‌های بسیاری انجام شده است که گزارش و تفصیل آن‌ها از حوصله این مقاله خارج است اما به طور مشخص در زمینه شعر شاعر یمنی، ابراهیم ابوطالب پژوهش‌های یافت شده انگشت‌شمار بود. و شامل موارد زیر است:

- عزیز پور، محمد رضا و دیگران (۱۳۹۵) در مقاله «بن مایه‌های ادبیات مقاومت در شعر ابراهیم ابوطالب»، در شماره یک، سال سوم فصلنامه ادبیات دفاع مقدس به بررسی اساسی ترین بن مایه‌های ادبیات مقاومت مانند وطن دوستی، انقلاب یمن و بیداری اسلامی، دعوت به اتحاد و... در دیوان «حین یهب نسیمها» پرداخته اند.

- محمد قاید، أحمد مهیوب (۲۰۱۸) در مقاله «أثر التراث فی شعر ابراهیم ابوطالب» شماره دوم مجله دانشگاه الجزیره به بررسی میراث ادبی و تاریخی مانند کاریست متون ادبی ادبیات قدیم و کاریست متون دینی مانند آیات قرآن، شخصیت انبیا، احادیث نبوی در دیوان «ملهمتی و الحروف الأولى» پرداخته است.

از آن‌جا که ناصر کشاورز یکی از چهره‌های برجسته ادبیات کودک ایران است پژوهش‌های بسیاری را به خود اختصاص داده است اما در موضوع این پژوهش، تاکنون تحقیق جداگانه و خاصی صورت نگرفته است. از پژوهش‌های انجام شده درباره ناصر کشاورز، به عنوان نمونه؛

- رضایی دیل، مصطفی و نظری، نجمه (۱۳۹۸)، بررسی سبکی قصه‌های منظوم ناصر کشاورز، فصل‌نامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، شماره ۴، صص ۱۸۵-۲۰۳. در این بررسی سبک‌شناسانه، پس از تحلیل چهل و دو قصه منظوم کشاورز که طی سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۵ سروده شده‌اند، روشن شده است که کشاورز در قصه‌های آغازین خود بیشتر به استفاده از زبان نوشتاری گرایش داشته است، اما در کارهای بعدی خود به استفاده از زبان گفتاری و بهره‌گیری از لغات و تعبیرات عامیانه و کودکانه روی آورده است.